

نیست و اتفاقاً از همانجا رابطه ما با آقای کرزای قطع شد.

به هر حال پیش بینی ما این بود که آمدن اشرف غنی مساوی است با سقوط جمهوریت. در مدت چند سالی هم که او کار می کرد قوم گرایی، منطقه گرایی که مکمل بر همه اینها و علت تسریع سقوط نظام جمهوریت، خودخواهی و خودمحوری اش بود. حرف حرف خودش بود. جالب است یک روزی یک قانونی آمد در شورای وزیران که خلاف قانون اساسی بود. من به وزیر مربوطه گفتم این چه چیزی است که شما آورده اید؟ این خلاف صریح قانون اساسی است. گفت رئیس جمهور به من گفته است که این را اینطوری بیاور. من به رئیس جمهور گفتم این خلاف قانون اساسی است. رئیس جمهور گفت پس من کی هستم؟ یعنی ایشان خودش را فوق قانون اساسی تصور می کرد. آدم خودمحوری بود و همه چیز را برای خودش می خواست. من برداشتم این است که اگر خودخواهی و خودمحوری افراطی اشرف غنی نمی بود، نظام جمهوریت سقوط نمی کرد. حداقل ما به طرف یک نظام مشترک و حکومت موقت مشترک از مجموعه امارت اسلامی و حکومت قبلی دوره جمهوریت می رفتیم. چون تحویل قدرت را نتوانست بپذیرد پا به فرار گذاشت و فرارش موجب این شد که نظام سقوط کند.

چه چیزی باعث شد که امریکایی ها به این سرعت افغانستان را ترک کنند یعنی عقب نشینی شان با این آشفتنگی و به شکل یک فرار اتفاق بیفتد؟

تصور امریکایی ها در ابتدا این بود که ما می توانیم در افغانستان بمانیم و کسی نمی تواند مزاحم ما شود. مخصوصاً که مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد را با خودمان داریم و از طریق افغانستان می توانیم کشورهای منطقه را تحت تأثیر و نفوذ قرار دهیم. روس ها را از طریق نفوذ در کشورهای آسیای میانه می توانیم تحت فشار قرار دهیم و جمهوری اسلامی ایران را با حضور مستقیم در افغانستان تحت فشار قرار بدهیم و همین موانع کوچک نظام یک قطبی را نیز می توانیم برداریم. طوری که نظام یک قطبی در همه دنیا حاکمیت بلامنزاع داشته باشد. اما حضورش در اینجا و حضور دوباره طالبان و عدم حمایت کشورهای منطقه از امریکا، امریکا را کم کم به این نتیجه رساند که اشتباه کرده است. نمی تواند یک چنین حضوری در افغانستان داشته باشد و آهسته آهسته آنها توانستند تشخیص دهند که شکستی مفتضحانه در افغانستان خواهند خورد و در نهایت امریکایی ها تلاش کردند زود از افغانستان بروند تا به آن افتضاح آخری نرسند!

یک سال از تاریخ حضور دولتی موسوم به امارت اسلامی گذشت. خیلی ها این روز خروج امریکایی ها را روز استقلال مجدد افغانستان تصور می کنند. عملکرد یک ساله دولت سرپرست از دیدگاه شما به چه شکل بوده است؟

این یک سال امارت اسلامی نقاط مثبت و نقاط منفی دارد. نقاط منفی حکومت طالبان این است که غیر از خودشان کسی دیگری را قبول ندارند. می فهمند یا نمی فهمند، مدیریت می توانند یا نمی توانند، باید از خودمان باشد. منظور از «خودمان» هم که می گویند نه این است که پشتون یا طالب باشد بلکه از خودمان یعنی در جبهه جنگ با امریکا بوده باشد. حتی برخی از بنیانگذاران طالب چون در جریان جنگ ۲۰ ساله با طالبان نبودند، به آنها اجازه ندادند که وارد قدرت شوند. شخصیت های مهمی مثل عبدالحکیم مجاهد، علی احمد متوکل که دوره قبل وزیر خارجه بود، سید اکبر آقا... من فکر می کنم این فکر درستی نیست. یک مجموعه ای برای جنگ خوب است، مجموعه ای دیگر یا برای جنگ خوب نیست یا برای جنگ خوب بوده اما نجنگیده به هر حال الان مدیریت کشور کادرهای ورزیده می خواهد. البته باید مراقب این بود که عناصر نامطلوب و تخریب کننده ای که